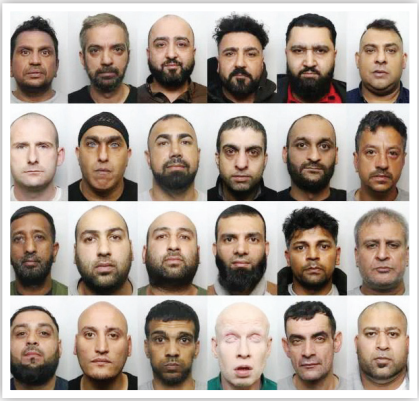


آن سوی مرز

۳۴۶ سال حبس برای هیولاهای انگلیس



۳۴۶شکارچی جنسی که یکی از مخوف‌ترین پاندهای فحشا در انگلیس را هدایت می‌کردند به ۳۴۶سال حبس محکوم شدند. به گزارش همشهری به نقل از سنان، تحقیقات پلیس منطقه یورکشایر غربی انگلیس برای شناسایی اعضای این باند مخوف از سال ۲۰۱۸ شروع شد؛ زمانی که ۸ زن راهی اداره پلیس شدند و از اسرار این باند پرده برداشتند.

اطهارات این زنان که پلیس از آنها به‌عنوان زنای شجاع یاد کرده، نشان می‌داد که اعضای این باند با اغفال دختران و فریب آنها، این افراد را هدف تجاوز و آزار جنسی خشن قرار داده و از آنها برای تجارت جنسی سوءاستفاده می‌کردند. پلیس همچنین متوجه شد که اقدامات هولناک این باند بین سال‌های ۱۹۹۹تا ۲۰۱۲ انجام می‌شده و ۸زنی که از آنها شکایت کرده بودند، از نوجوانی گرفتار این باند مخوف شده بودند.

پلیس که تحقیقات خود را برای شناسایی جنایتکاران جنسی آغاز کرده بود، نخستین اعضای این باند را در سال ۲۰۱۸ دستگیر کرد. هر چه تحقیقات بیشتر می‌شد، ابعاد هولناک فعالیت این باند نیز بیشتر شناسایی می‌شد تا جایی که پلیس از این باند با عنوان «هیولا» یاد کرد. در نهایت ۲۴ نفر عضو این باند در عملیاتی به نام «توری» در کر کلینز شمالی شناسایی و دستگیر شدند. همه آنها در دسامبر ۲۰۲۰ با شروع مراحل دادگاه ماهم و بین سال‌های ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۴ محکوم شدند. دادگاهی در انگلیس اعلام کرد، اعضای این باند کودکان و نوجوانان انگلیسی را برای مقاصد شوم خوششان تجارت می‌کردند.

براساس گزارش مقامات انگلیس، در میان آنها مردی وجود دارد که از راهی جنسی او با مقیاسی است که به سختی می‌توان جنایاتش را باور کرد. اتهام آنها تجاوز جنسی، سوءاستفاده جنسی و قاچاق دختران در شهرهایی مانند بتلی و دیویزی اعلام شده است. ۳نفر از این اعضا به‌دلیل آنچه پلیس یورکشایر غربی به‌عنوان «تجاوز کاملاً تکان دهنده» توصیف کرده، به بیش از ۳۰سال حبس محکوم شده‌اند. بنابر این گزارش، متهمان اصلی، آصف علی، ۵۳ساله، محمد طوسیف حنیف، ۳۹ساله، علی شاه، ۳۸ساله، مشین نادات ۳۸ساله، سرفراز میراف ۳۸ساله، محمد نظام ناصر ۳۸ساله و امیرعلی حسین ۴۵ساله هستند. سخنگوی پلیس انگلیس درباره جنایات آصف علی، ۵۳ساله، گفت که جنایات او به حدی تکان دهنده است که به سختی می‌توان باور کرد که یک انسان، این کارها را در حق یک انسان دیگر مرتکب شود. در ۱۴مورد تجاوز جنسی و آزار جنسی مجرم شناخته شده است. سخنگوی پلیس می‌گوید: آصف، مانند دیگران، قربانیان جوان خود را به‌عنوان کالاهای بی‌دعای می‌دید که مورد سوءاستفاده قرار گرفته و خرید و فروش می‌شدند. وی افزود: اما این دختران نوجوان، در هنگام کسالی مبارزه کرده و اعضای این باند را مجبور به پاسخگویی به جنایات خود کرده‌اند. آنها با شجاعت مدارگی را از آنه دادند و باعث شدند تحقیقات و محاکمات در مسیر درستی به پایان برسد.

کلایب‌داری

پرونده کلایب‌داری ۶۰۰میلیاردی در دادگاه

پرونده شرکتی که به پنهان‌ه پیش‌فروش خودرو از بیش از ۲۰۰ تا ۶۰۰میلیارد تومان کلایب‌داری کرده بود، با صدور کیفرخواست به دادگاه فرستاده شد.

به گزارش همشهری، رسیدگی به این پرونده از چندی قبل در دستور کار دادستانی تهران قرار گرفت. علی صالحی، دادستان تهران در این باره گفت: متهمان این پرونده با مانورهای متقلبانه، اقدام به اخذ جوه بدون مجوز در قبال پیش‌فروش خودرو کرده و با توجه به عدم‌اجرای تعهدات، ضمن آرتکاب اخلال ۶هزار میلیارد ریالی در نظام اقتصادی کشور، مبالغ هنگفتی تحصیل کرده‌اند. دادستان تهران ادامه داد: این پرونده ۱۲۹۴شاکی و ۴۳متهم دارد و متهمان اصلی که ۱۶نفر هستند با عناوین اتهامی مشارکت در اخلال عمده در نظام اقتصادی از طریق اخذ جوه بدون مجوز قانونی (درمجموع به مبلغ ۰۳۷میلیارد و ۶۲۰میلیون ریال)، مشارکت در کلایب‌داری شبکه‌ای و پولشویی تحت پیگرد قرار گرفته‌اند. وی در ادامه گفت: برای ۲۳نفر از متهمان اموال متهمان در مرحله تحقیقات قضایی، تحت نقش داشته و پورسات در ریافت می‌کردند، به اتهام تحصیل مال از طریق نامشروع در خواست مجازات شده است، ضمن اینکه ۲نفر از متهمان به اتهام پولشویی و ۲نفر دیگر به اتهام اخفا و تصاحب صوری اموال متهمان در مرحله تحقیقات قضایی، تحت پیگرد قرار گرفت‌ه‌اند. دادستان تهران ادامه داد: متهمان پرونده ابتدا حدود ۲هزار خودرو به مشتریان تحویل داده بودند، اما از اجرای تعهدات خود نسبت به ۲هزار و ۷۵۴ خودروی باقیمانده سر باز زدند که این موضوع موجب طرح شکایات از سوی مالباختگان و تشکیل پرونده با شاکیان زیاد در مرجع قضایی شد و در نهایت پرونده با ۱۲۹۴شاکی و ۴۳متهم با صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال شد.

بیرمرد ساوهای فرشته نجات شد

به‌دنبال مرگ مغزی بیمار ۶۰ساله اهل ساوه، اعضای بدن او به بیماران نیازمند اهدا شد.

مغزی علیرضا احمدی نام داشت که به‌دلیل افزایش فشار خون به مرگ مغزی دچار شده بود. با موافقت اعضای خانواده‌اش ۲ کلیه، کبد و نسوج مرد ۶۰ساله به بیماران نیازمند اهدا شد.

انتظامی

مرد شرور که در خیابان انقلاب با استفاده از قمه شهروندی را در ملأعام مجروح کرده بود، دستگیر شد. این مرد هفتم ادیبهشت‌ماه با استفاده از قمه اقدام به قدرت‌نمایی کرده و شهروندی را مجروح و فرار کرده بود که در جریان تحقیقات مأموران پایگاه سوم سازمان اطلاعات پلیس تهران دستگیر شد.

دستگیری شرور خیابان انقلاب

مرد شرور که در خیابان انقلاب با استفاده از قمه شهروندی را در ملأعام مجروح کرده بود، دستگیر شد. این مرد هفتم ادیبهشت‌ماه با استفاده از قمه اقدام به قدرت‌نمایی کرده و شهروندی را مجروح و فرار کرده بود که در جریان تحقیقات مأموران پایگاه سوم سازمان اطلاعات پلیس تهران دستگیر شد.

متهم صحنه حمله بازنحیر به مسافر اتوبوس را بازسازی کرد

انکارهای عجیب زنجیرکشی بی‌آرئی



گزارش

الهیة فراهانی
روزنامه‌نگار

حدود یک‌ماه پس از فراگیر شدن یک ویدئوی جنجالی که در آن فردی با زنجیر به مسافران اتوبوس بی‌آرئی هجوم برده و یکی از آنها را به‌شدت مجروح کرده بود، عامل این حمله در یکی از روستاهای غرب کشور دستگیر شد. به‌گفته شاهدان، ضارب یک جیبیبر بود که پس از شناسایی شدن توسط مسافران به یکی از آنها حمله و او را مجروح کرد.

به‌گزارش همشهری، صبح دیروز سردار عباسعلی محمدیان، رئیس پلیس پایتخت، با تشریح جزئیات دستگیری فردی که با زنجیر به یک مسافر اتوبوس بی‌آرئی حمله کرده بود، گفت: پس از انتشار این فیلم در فضای مجازی، ۵ تا عرروز طول کشید که مأموران پلیس آگاهی تهران هویت ضارب را شناسایی کرد و اما این فرد به یکی از استان‌های غربی کشور گریخته و در یک روستا پنهان شده بود و با هیچ‌کس هیچ ارتباطی نداشت، تا اینکه مخفیگاهش شناسایی و دستگیر شد. هر چند وی هنگام دستگیری قصد درگیری با مأموران را داشت، درنهایت بازداشت شد و به‌زودی محاکمه خواهد شد.

سردار محمدیان همچنین از شهروندی که از حمله این فرد فیلم

اظهارات راننده اتوبوس

راننده اتوبوس که در محل بازسازی صحنه جرم حضور داشت درباره روز حادثه گفت: من در مسیر ایستگاه متروی جوانمرد به پایانه لاله کار می‌کنم. آن روز فکری نمی‌اواخر اسفندماه بود که در حوالی ایستگاه دولاب تا شهید محلاتی سرورسدایی از میان مسافران شنیدم. به‌نظر می‌رسید درگیری پیش آمده است و وقتی به ایستگاه رسیدم دستی را کشیدم تا ببینم چه شده است. ناگهان فردی که بعدامتوجه شدم جیبیبری زنجیربه‌دست‌بوده، به‌صورت‌دستی در اتوبوس راپاز و فرار کرد. به‌دنبال او چندنفر دیگر هم فرار کردند که به‌نظم همدستانش بودند. وی افزود: پس از پرس‌وجو متوجه شدم که فرد جیبیبر در حال سرقت‌بوده که یکی از مسافران مجتش را گرفته و به مسافران دیگر اطلاع داده که او سارق است. همین‌کار و باعث عصیانیت جیبیبر شده و بازنحیر به سمت آن مسافر حمله و او را مجروح رده و پس از آن نیز فرار کرده بود. مسافر فداکار در این حادثه به‌شدت دچار خونریزی شده بود که من فوراً با ۱۱۰ تماس گرفتم و موضوع او گزارش دادم. خوشبختانه مأموران به‌موقع رسیدند و جوان مجروح به بیمارستان منتقل شد.

مکتب ۱

اظهارات راننده اتوبوس که در محل بازسازی صحنه جرم حضور داشت درباره روز حادثه گفت: من در مسیر ایستگاه متروی جوانمرد به پایانه لاله کار می‌کنم. آن روز فکری نمی‌اواخر اسفندماه بود که در حوالی ایستگاه دولاب تا شهید محلاتی سرورسدایی از میان مسافران شنیدم. به‌نظر می‌رسید درگیری پیش آمده است و وقتی به ایستگاه رسیدم دستی را کشیدم تا ببینم چه شده است. ناگهان فردی که بعدامتوجه شدم جیبیبری زنجیربه‌دست‌بوده، به‌صورت‌دستی در اتوبوس راپاز و فرار کرد. به‌دنبال او چندنفر دیگر هم فرار کردند که به‌نظم همدستانش بودند. وی افزود: پس از پرس‌وجو متوجه شدم که فرد جیبیبر در حال سرقت‌بوده که یکی از مسافران مجتش را گرفته و به مسافران دیگر اطلاع داده که او سارق است. همین‌کار و باعث عصیانیت جیبیبر شده و بازنحیر به سمت آن مسافر حمله و او را مجروح کرده و پس از آن نیز فرار کرده بود. مسافر فداکار در این حادثه به‌شدت دچار خونریزی شده بود که من فوراً با ۱۱۰ تماس گرفتم و موضوع او گزارش دادم. خوشبختانه مأموران به‌موقع رسیدند و جوان مجروح به بیمارستان منتقل شد.

مکتب ۲

شاکی: زنده ماندنم را معجزه می‌دانم
کمی آن طرف‌تر از راننده اتوبوس، شاکی، یعنی جوان مجروح در حوالی ایستگاه دولاب تا شهید محلاتی سرورسدایی از میان مسافران شنیدم. به‌نظر می‌رسید درگیری پیش آمده است و وقتی به ایستگاه رسیدم دستی را کشیدم تا ببینم چه شده است. ناگهان فردی که بعدامتوجه شدم جیبیبری زنجیربه‌دست‌بوده، به‌صورت‌دستی در اتوبوس راپاز و فرار کرد. به‌دنبال او چندنفر دیگر هم فرار کردند که به‌نظم همدستانش بودند. وی افزود: پس از پرس‌وجو متوجه شدم که فرد جیبیبر در حال سرقت‌بوده که یکی از مسافران مجتش را گرفته و به مسافران دیگر اطلاع داده که او سارق است. همین‌کار و باعث عصیانیت جیبیبر شده و بازنحیر به سمت آن مسافر حمله و او را مجروح کرده و پس از آن نیز فرار کرده بود. مسافر فداکار در این حادثه به‌شدت دچار خونریزی شده بود که من فوراً با ۱۱۰ تماس گرفتم و موضوع او گزارش دادم. خوشبختانه مأموران به‌موقع رسیدند و جوان مجروح به بیمارستان منتقل شد.

پدر جوان باغیرتی که هنگام دفاع از دختران جوان توسط او باش مجروح شده از پسرش می‌گوید

کنار جسم پسرم یاد شهید الداغی افتادم

گفت‌وگو

افراد بی‌دفاع جانش را به خطر انداخت و تا یک قدمی مرگ

پیش رفت. این بار در جریان حادثه‌ای که در کاشمر اتفاق افتاد، پسری به نام علی علیرضاده وقتی دید آفرز از اوپاش مزاحم ۳دختر شده‌اند، به آنها تذکر داد، اما آنها این تذکر را با ضربه چاقو جواب دادند. چاقو به گردن علی اصابت کرد و خونریزی شدید او سبب شد تا یک قدمی مرگ پیش برود. اما خواست خدا بود او که تنها فرزند خانواده‌است با تلاش کادر پزشکی زنده بماند. در شرایطی که علی بعد از جراحی نخستین از بیمارستان مرخص شده و همچنان در بستر است، محمد علیرضاده، پدر او در گفت‌وگویی اختصاصی با همشهری درباره حادثه‌ای که برای پسرش اتفاق افتاده و آخرین وضعیت او صحبت کرد.

درباره علی بگویند. او چند سال دارد؟

علی تنها فرزند من است. او متولد سال ۷۵ است و ۲۸سال دارد. پسرم دانشجوی رشته تربیت‌بدنی است.

درباره روز حادثه صحبت کنید.

آن روز دقیقاً چه اتفاقی افتاد و علی چطور مجروح شد؟
۲، ۳دختر جوان از نزدیکی خانه‌مان می‌گذشتند که ۳پسر موتورسوار برای‌شان مزاحمت ایجاد کردند. همان موقع علی سررسیده و این صحنه را دیده بود. او هیچ درگیری‌ای با آنها نداشت و فقط گفته بود که مزاحم نشوید، مگر خودتان خانواده‌ندارید. همین چندجمله باعث شده بود که آنها چاقو بکشند و به گردن پسرم بزنند.

بعد از ایسن حادثه علی چه شرایطی داشت؟

گفت‌وگو

متهم، ۳۰ساله است، می‌گوید در شهرستان کشاورزی می‌کرده و سارق نیست و چون به او تهمت دزدی زده بودند، عصبانی شده بوده است. گفت‌وگو با او را بخوانید.

چه شد که با زنجیر به سمت شاکی

هجوم بردی؟
فکر نکردی ممکن است در اثر این اشتباه بردم. غلط کردم.

انگیزات چه بود؟

به من تهیمت زد.

اما شاهدان می‌گویند در حال سرقت گروشی موبایل بوده‌ای؟
نه، من این کاره نیستم. به من تهیمت زده‌اند. همین تهیمت باعث شد من ناراحت شوم.

سابقه داری؟

نه، این نخستین بار است که دستگیر می‌شوم.

اما پرونده‌ات نشان می‌دهد که سابقه سرقت داری؟

حتماً اشتباهی صورت گرفته است یا با هم می‌خواهند به من تهیمت بزنند!

اما قبول ادری که بسا زنجیر به مسافر اتوبوس حمله کردی؟

قبول دارم و اشتباه کردم.

آن‌روز چه اتفاقی افتاد؟

من مسافر اتوبوس بودم که این آقا اشاره گفت من به من تهیمت سرقت زد. گفت من این کاره نیستم، سرقتی نکردام. من اصلاً از این نار‌ها به مسافره خانواده‌ام نمی‌برم.

او تهیمت زد و من کنترل‌رم را از دست دادم. در حالی که به‌شدت عصبانی بودم و خشم سسر تا‌باب وجودم را گرفته بود، به سمت مسافر جوان هجوم بردم.

او هم تو را تک‌زد؟

نه، اما ای کاش می‌زدی. این‌جوری عذاب

متهم: پشیمانم

متهم، ۳۰ساله است، می‌گوید در شهرستان کشاورزی می‌کرده و سارق نیست و چون به او تهیمت دزدی زده بودند، عصبانی شده بوده است. گفت‌وگو با او را بخوانید.

چه شد که با زنجیر به سمت شاکی

هجوم بردی؟
فکر نکردی ممکن است در اثر این اشتباه بردم. غلط کردم.

انگیزات چه بود؟

به من تهیمت زد.

اما شاهدان می‌گویند در حال سرقت گروشی موبایل بوده‌ای؟
نه، من این کاره نیستم. به من تهیمت زده‌اند. همین تهیمت باعث شد من ناراحت شوم.

سابقه داری؟

نه، این نخستین بار است که دستگیر می‌شوم.

اما پرونده‌ات نشان می‌دهد که سابقه سرقت داری؟

حتماً اشتباهی صورت گرفته است یا با هم می‌خواهند به من تهیمت بزنند!

پس چرا زنجیر همراهت بود؟

زنجیرم موتورم بودم.

مگر با موتور به تهران آمده بودی؟
نه، نمی‌دانم چرا زنجیر را همراه خودم به تهران آورده بودم.

همدست هم داشتی؟

گفتم که سارق نیستم، چرا فکر می‌کنید دروغ می‌گویم.

اما قبلاً هم در بی‌آرئی در حال سرقت دیده شده‌بودی و چند نفر تو را شناسایی کرده‌اند؟

اشتباه می‌کنند. قصد دارند به من تهیمت بزنند. شاید سارق شبیه من بوده است.

دوشنبه ۱ اردیبهشت ۱۴۰۳ - شماره ۹۰۸۳

همشهری

داخلی

پرونده مرگ ۳زن و یک مرد روی میز باز پرس جنایی



در جریان ۳حادثه جداگانه، آژن و یک مرد جانشان را از دست دادند و حالا رازگشایی از این پرونده‌ها توسط تیم جنایی پایتخت آغاز شده است.

به گزارش همشهری، نخستین حادثه که صبح دیروز به باز پرس جنایی تهران گزارش شد، مرگ اسرار آمیز مادر و دختری بود که ساکن برجی در شمال پایتخت بودند. آنها از چند روز قبل ناپدید شده بودند و یکی از اقوامشان گزارش گم شدن آنها را به پلیس داده بود. وقتی مشخص شد که از کشور خارج نشده‌اند، مأموران وارد خانه‌مادر و دختر شده و اجسادشان مواجه شدند.

چند روزی از مرگشان می‌گذشت و در خانه‌شان پوکه‌های قرص پیدا شده بود در این میان مشخص شد. انطور که بستگان این

مادر و دختر می‌گویند، آنها وضع مالی بسیار خوبی داشتند اما

از مشکلات روحی و روانی رنج می‌بردند و با کسبی رفت‌وآمد

نداشتند. هم‌اکنون اجساد این مادر و دختر به دستور باز پرس جنایی تهران به پزشکی قانونی منتقل شده تا علت اصلی مرگ آنها مشخص شود. همچنین به‌زودی در تحقیقات تکمیلی مشخص خواهد شد که مرگ آنها خودکشی بوده یا نه.

دومین پرونده‌ای که در دادسرای جنایی تهران تشکیل شده مربوط به مرگ مردی است که جسدش در فضای سبز کشف شده است. وقتی تیم جنایی در محل حادثه در بزرگراه همت، خروجی ۳ حاضر شدند، با جسد بدون سر مواجه شدند که متعلق به مردی جوان بود. او با یک ضربه چاقو به شکمش، زخمی شده و قاتل با قاتلان، جسد را در فضای سبز حاشیه بزرگراه رها کرده‌اند. وقتی روی آن برگ ریخته بودند که جسد پوشانده شود. روی شانه‌های مقتول، ستاره و روی سینه‌اش دو تیر خالکوبی شده بود که جسد وی به دستور بازپرس جنایی به پزشکی قانونی انتقال یافت. از سوی دیگر تحقیقات برای شناسایی هویت مقتول وسپس دستگیری قاتل باقاتلان آغاز شده‌است. با توجه به اینکه در اطراف محل کشف جسد، چندین کارگه وجود دارد، به‌نظر می‌رسد که مقتول کارگر یکی از کارگاه‌ها بوده‌است. بااین حال تحقیقات به شکل ویژه در این پرونده ادامه دارد.

اما سومین پرونده‌ای که در دادسرای جنایی تهران تشکیل شده،

مربوط به مرگ اسرار آمیز دختری جوان است. وی به همراه

نامزدش به یک مهمانی دعوت شده بود اما در آنجا حاش بد شده

و توسط نامزدش به بیمارستان انتقال یافته بود. دختر جوان اما

بدن نامزدش پرتکان جانش را از دست داد و گزارش این مرگ

مشکوک نیز به بازپرس جنایی تهران مخابره شد. به دستور او

تحقیقات آغاز شد و صاحب خانه گفت: در خانم مهمانی برپا

کرده بودم که متعلق به همراه نامزدش وارد شدند. دقایقی بعد

دختر خانم حاش بد شد که نامزدش او را به بیمارستان برد. در

ادامه خانواده دختر جان باخته از نامزد وی شکایت کردند. پسر

جوان بازداشت شد و در تحقیقات گفت: من نمی‌دانم چه شد که

ناگهان حال نامزدم در مهمانی بد شد. وقتی از حال رفت، فوراً او

را به بیمارستان رساندم اما زنده نماند و من نیز از مرگ او شوکه

شدم. جسد این دختر به پزشکی قانونی منتقل شده تا علت

اصلی مرگ وی مشخص و معمای این پرونده رازگشایی شود.

قاتل دیانا کوچولو دستگیر شد



هفته‌ها پس از مفقود

شدن دیانا، دختر ۱۱ساله

اصغهبی در شرایطی که

همه از جمله مادرش برای

پیدا کردن او بسیج شده

بودند، این پرونده با اعتراف

مادر او به قتل، پایان تلخی

پیدا کرد.

به گزارش همشهری،

چندی قبل خانواده دختری

۱۱ساله به نام دیانا آزادمنش با انتشار تصاویر او در شبکه‌های

اجتماعی اعلام کردند که دخترشان که به‌او تبسم مبتلاست گم

شده و از مردم برای پیدا کردن او کمک خواستند. آنها همچنین

به مراجعه به پلیس ماجرای ناپدید شدن دخترشان را گزارش و

برای پیدا کردن او درخواست کمک کردند.

در این بین اما مادر دیانا بیش از همه تلاش و برای دخترش

بی‌قراری می‌کرد. کاربران شبکه‌های اجتماعی بااین خانواده‌ایراز

همدردی می‌کردند و همه نگران سرنوشت دیانا کوچولو بودند.

تلاش‌ها برای یافتن دیانا ادامه داشت تا اینکه روز گذشته رئیس

پلیس آگاهی استان اصفهان در خبری تکان دهنده اعلام کرد

مادر دیانا به قتل او اعتراف کرده است. سرهنگ حسین تریکان

گفت: در نتیجه اقدامات صورت گرفته مشخص شد مادر پلیس را

گمشده با اظهارات ضدونقیض خود قصد کربودن اقدام به

دارد، به همین دلیل او دستگیر شد و در بازجویی‌های فنی و

تخصصی و در مواجهه با مدارک و ادله کارآگاهان جنایی، پرده از

راز قتل دختر ۱۱ساله خود برداشت. او در اعتراف‌اش گفت: روز

حادثه دخترم را به یک باغ متروکه خارج از شهر بردم و اقدام به

زمن چندین ضربه چاقو به او کردم و سپس جنازه‌اش را آتش زده

و از آنجا فرار کردم و با مراجعه به پلیس اعلام کردم که دخترم

گم شده است. سرهنگ تریکان ادامه داد: با اعتراف مادر به قتل

دختر ۱۱ساله خود، کارآگاهان به صحنه جرم اعزام شدند و

جسد سوخته دختر بچه را کشف کردند. به گفته او متهم به قتل

برای انجام اقدامات قانونی و بررسی‌های علمی و انگیزه جرم، در اختیار مرجع قضایی قرار دارد.

چجست؟

ما از هر دو نفرشان شکایت کردیم و خواسته‌مان مجازات هر دو نفرشان است. آنها مزاحم ناموس مردم شده بودند و در ادامه هم چاقوکشی کردند؛ آن هم برای پسر من که هیچ وسیله‌ای برای دفاع از خودش نداشت و فقط به آنها تذکر داده بود که مزاحم نشوند.

حادثه‌ای که برای علی اتفاق افتاد درست در شب سالگرد شهید الداغی بود؛ جوانی که در راه دفاع از دختری جوان به شهادت رسید.

بله این موضوع را می‌دانم و از ماجرای این شهید اطلاع دارم. وقتی چشم‌انتظار خبری از اتاق عمل بودم تا از وضعیت علی مطلع شوم به یاد شهید حمیدرضا الداغی و خانواده‌اش افتادم؛ جوانمردی که سال قبل درست مثل علی از دختری بی‌پناه

در برابر اوپاش دفاق کرده و جانش را از دست داده بود. در آن لحظات تا حدودی حال آنها را درک

کردم که در چه شرایط سختی قرار داشتند. بعد

می‌خواستم دنیا نباشد. من فقط همین یک

فرزند را دارم و نمی‌توانستم حادثه‌ای را که برایش

اتفاق افتاده بود، قبول کنم. جراحی او حدود

یک‌ساعت طول کشید؛ اینکه بالاخره خبر دادند

که موفقیت آمیز بوده و خطر رفع شده است. خدا

را شکر می‌کنم که این ماجرا به‌خیر گذشت و خدا

پسرم را دوباره به من بازگرداند.

۲پسر شروری که علی را مجروح کرده بودند؛ چطور دستگیر شدند؟

ضاربان را هم‌محلی‌ها همان موقع دستگیر کرده

و به پلیس تحویل داده بودند. یکی از آنها ۱۷ساله

و دیگری ۲۰ساله است. هر دو سابقه‌دار هستند

و آخرین‌بار ۳ماه قبل چاقوکشی و سرقت کردند. خدا

بودند. انطسور که می‌گفتند زمانی که با کسرم

در گیر شده بودند هم حال طبیعی نداشتند و

مست بودند.

خواستہ شما در باره ۲جوان شرور

^[1] هفت‌ها پس از مفقود شدن دیانا